

هدف کلی: شناخت آثار محبت داشتن به خدا و تلاش برای تقویت رابطه محبت آمیز با او، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا

اهداف آموزشی

توجه به اینکه محبت به خداوند تضمین کننده راه رستگاری انسان در دنیا و آخرت است
درک توجه محبت آمیز خداوند به مخلوقات خود و از جمله انسان ها
تقویت رابطه دوستی انسان با خدا
نقش محبت و عشق در تصمیم گیری ها و کارهای انسان
نبیین راه های افزایش محبت به خداوند
تبیین دوستی با دوستان خداوند
شناخت رابطه تقابلی دوستی با خدا و دوری از دشمنان خدا
شناخت تاثیر دوستی با خدا در مبارزه با باطل



مجتبی محمودی

دبیر دین و زندگی شهرستان ایزه

سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹

دوستی با خدا

درس یازدهم



«بارالها! خوب می دانم هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن کس که با تو انس گیرد، لحظه ای از تو روی گردان نشود، بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان! دوست داشتنت را از خودت خواهانم»^۱.

به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده اند؟ چگونه می توان دل را به این آذین آراست؟

۱- محبت و دوستی با تصمیم گیری آنتن چه نسبتی دارد؟
۲- فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ریشه در چه چیزی دارند؟ مثال بزنید

■ نقش محبت

۱ (محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم ها و کارهای انسان است) فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ریشه در دل بستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت ها است که به زندگی آدمی جهت می دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می دهد) کسی که شیفته مد است، دل مشغولی شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق خود را دانشمند یا هنرمندی قرار می دهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می سازد.

چقدر می ارزیم؟!

عده ای از اندیشمندان صاحب نام در علوم انسانی در یکی از کشورهای اروپایی جمع شده بودند تا درباره موضوع «معیار ارزش واقعی انسان» بحث و تبادل نظر کنند. دلیل انتخاب این بحث این بود که ما برای سنجش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن، معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ در این میان، ارزش انسان را با چه معیاری باید سنجید؟! هر کدام از جامعه شناسان در این باره حرف هایی زدند و معیارهای خاصی ارائه دادند. وقتی نوبت به من رسید، به جایگاه رفتم و گفتم: اگر می خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان است، در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش ماشین است، ارزشش به همان میزان است، اما کسی که عشقش خداوند متعال است، ارزشش به اندازه خداست. با تمام شدن حرفم تمامی جامعه شناسان حاضر در جلسه برای چند دقیقه بلند شدند و برایم دست زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد، گفتم: عزیزان! این

کلام من نبود. بلکه از شخصی به نام علی علیه السلام است. ایشان می فرماید: ۳- از نظر امام علی (ع) ارزش هر انسان به اندازه چیست؟
۳ (ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می دارد) ۳

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانه احترام به شخصیت حضرت علی علیه السلام از جا بلند شدند و با تعجب نام ایشان را بر زبان جاری می کردند. ۲

این ابیات با سخن امام علی (ع) درباره ارزش انسان ارتباط معنایی دارند

تا در طلب کوهر کانی، کانی
تا در هوس لقمه نانی، نانی
این کلمه ز ما اگر بدانی، دانی
هر چیز که در جستن آنی، آنی

نکته

۱- نهج البلاغه، حکمت ۸۱

۲- خاطره ای از علامه محمدتقی جعفری

۳- مولوی، دیوان شمس، رباعیات

۱- چه زمانی محبت انسان به خدا بیشتر می شود؟

۲- عشق و محبت الهی چه اثری در زندگی انسان دارد؟ یا چرا قلب انسان جایگاه خداست و جز با یاد خدا آرام و قرار نمی گیرد؟

۳- امام صادق (ع) قلب انسان را به چه چیزی تشبیه می کند؟

فعالیت کلاسی

پیامبر اکرم ﷺ: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می شود.^۱

با توجه به حدیث بالا بگویید چرا در روز قیامت انسان با همان هایی که در دنیا آنها را محبوب خود قرار داده است، همراه و هم نشین می شود و به سرانجام همان ها دچار خواهد شد؟ همان طور که هر کس در دنیا با محبوب خود زندگی می کند و از قلبش غایب نمی شود در قیامت این رابطه نیز صورت حقیقی به خود می گیرد و شخص با محبوب خود محشور می شود

محبت به خدا

۱) (اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیبایی ها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش

رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر

می شود.) (عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین می برد و به انسان نشاط، شجاعت و

قدرت می بخشد. محبت الهی، تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت را صبور می کند

و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. عشق به خدا چون اکسیری

است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند. این همه تحول به این دلیل است

که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی یابد.)^۲

۳) (امام صادق علیه السلام می فرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید)^۳

از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را (دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می داند)^۴

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا و بعضی از مردم همتابانی را به جای خدا می گیرند

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ آنان را دوست می دارند مانند دوستی خدا

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ اما کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت بیشتری دارند.^۳

پیام های ایه

۴- قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را چه می داند؟

هر کسی برای خود محبوبی دارد

محبوب بعضی خدا و محبوب برخی دیگر خداست

محبت مؤمنان به خدا بیشتر از محبت غیر مؤمنان به غیر خداست

هر چه ایمان به خدا بیشتر باشد محبت به او شدیدتر خواهد بود

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۲۶

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۵

۳- سوره بقره، آیه ۱۶۵

عاشقانه‌ای با خدا

من عشق را آموخته بودم؛ اما به چه چیز عشق ورزیدن را نه؛ به دنیا عشق ورزیدم، به مال و منال عشق ورزیدم، به مدرسه عشق ورزیدم، به دانشگاه عشق ورزیدم. اما همه اینها بعد از مدت کمی جای خود را به عشق حقیقی و اصیل داد؛ یعنی عشق به تو. فهمیدم عشق به تو پایدار است و دیگر عشق‌ها، عشق‌های دروغین است... پس به عشق تو دل بستم.

بعد از چندی که به تو عشق ورزیدم به یکبار به خود آمدم. دیدم که من کو چک تر از آنم که عاشق تو شوم و تو بزرگ تر از آنی که معشوق من قرار بگیری. فهمیدم در این مدت که فکر می‌کردم عاشق تو هستم اشتباه می‌کردم. این تو بودی که عاشق من بودی و مرا [به سوی خود] می‌کشاندی.

اگر من عاشق تو بودم، باید یکسره به دنبال تو می‌آمدم. ولیکن وقتی توجه می‌کنم می‌بینم گاهی اوقات در دام شیطان افتاده‌ام؛ ولی باز به راه مستقیم آمده‌ام. حال می‌فهمم این تو بودی که عاشق بنده ات بودی و هر گاه او صید شیطان می‌شد، تو دام شیطان را پاره کردی. هر شب به انتظار او [بنده ات] می‌نشستی تا بلکه یک شب او را ببینی. حال می‌فهمم که تو عاشق صادق بنده ات هستی.

بخش‌هایی از دست‌نوشته‌های شهید ناصرالدین باغانی که در ۱۹ سالگی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید

- 2- آیا بین محبت به خدا و آثار محبت به او رابطه‌ای دو سویه برقرار است؟ توضیح دهید؟
3- چه چیزهایی موجب تقویت محبت انسان به خدا می‌شود؟

آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن

- 3 (پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطه‌ای دو سویه است؛ یعنی همان‌طور که محبت خدا موجب بروز این آثار می‌شود،) ² (تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می‌شود.) ³

سوال

- 1- پیروی از خداوند ^{چرا} نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند؟ ^{زیرا} (این سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است.)

- 4 (برخی می‌گویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست.) ⁴ (خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام می‌کند.) ⁵

- 4- آیا اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است؟ توضیح دهید؟
5- خداوند شرط اصلی دوستی با خود را چه اعلام می‌کند؟

نشانه دوست داشتن خدا پیروی از پیامبر(ص) است
پیروی از پیامبر(ص) موجب جلب محبت الهی می شود
مخالفت با پیامبر نفی کننده دوستی پیامبر است
پیروی از پیامبر(ص) موجب ارزش گناهان می گردد

پیام های
ایه

بگو اگر خدا را دوست دارید

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ
وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد
و گناهاتان را ببخشد
و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.^۱

امام صادق (ع) فرمودند: ۱- طبق سخن امام صادق (ع) چه کسی خدا را دوست ندارد؟

۱) (مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ؛ کسی که از فرمان خدا سرپیچی می کند، او را دوست ندارد)^۱

خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. و خیر خواهانه به ما هشدار می دهد

و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می کند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات
خداوند برای ما دشوار است،^۲ (باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است)^۲

۲- اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات خداوند برای ما دشوار است، باید نسبت به چه چیزی مطمئن باشیم؟

تفکر در احادیث

اگر ما کسی را دوست داشته باشیم، تلاش می کنیم هر آنچه را او دوست دارد انجام دهیم تا
علاقه خود را به او نشان دهیم و خود را بیشتر به او نزدیک کنیم. با توجه به احادیث زیر بگویید
برای اینکه رابطه دوستی خود را با خدا بیشتر کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم.

خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.^۳

خداوند، انسان با حیایِ بردبار با عفتی را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد.^۴

خداوند، رسیدگی به دل سوختگان و درماندگان را دوست دارد.^۵

خداوند، کسی که جوانی اش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.^۶

خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.^۷

توبه کردن از گناهان
عفت و پاکدامنی ورزیدن
رسیدگی به دلسوختگان و درماندگان
صرف کردن جوانی در اطاعت از خدا
آراسته کردن خود

۱- سورة آل عمران، آیه ۳۱

۲- امالی، شیخ صدوق، ص ۳۶۹

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۳۵

۴- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۱۲

۵- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۵

۶- نهج الفصاحة، حدیث ۸۰۰

۷- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۴۰

۱- چه زمانی محبت ما به خداوند فزون تر می شود؟

۲- چه کسانی دوستان خداوند هستند؟

۳- برترین دوستان خداوند چه کسانی هستند و دوستی با آنان باید با چه چیزی همراه باشد؟

۲- دوستی با دوستان خدا (اگر می خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که

رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که

این علاقه بیشتر و قوی تر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون تر می شود) انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق

و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند) و برترین این دوستان، رسول خدا ﷺ و

اهل بیت ایشان ﷺ می باشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند

سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته

این دوستی و محبت نیز بایستی همچون محبت به خدا، همراه با عمل و پیروی از آنان باشد) ۳

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان (عاشق روشنایی، از تاریکی می گریزد و آن کس که به

دوستی با خدا افتخار می کند، با هر چه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بوده اند. همه پیامبران، از حضرت نوح ﷺ و

حضرت ابراهیم ﷺ تا پیامبر اسلام ﷺ زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم

مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را

در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند) ۴- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان به چه معناست؟ توضیح دهید

۵- نظر پیامبران (ع) درباره جهاد در راه خدا چه بوده است؟

از این رو (جهاد در راه خدا) در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به

شهادت رسیده اند) امروزه نیز مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود،

حقوق ملت ها را زیر پا می گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن،

سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

در نتیجه (دینداری، با دوستی خدا آغاز می شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می آورد. اگر

کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند) (جملة «لا اله الا الله»

که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «آری» است: «نه» به هر چه غیر خدایی است و

«آری» به خدای یگانه) ۶- نسبت دینداری با دوستی خداوند چیست؟

۷- جمله لا اله الا الله مرکب از چیست؟ توضیح دهید

پس (دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و

پیروان او). هر چه دوستی با خدا عمیق تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق تر است) ۸

امام خمینی رحمته الله علیه بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این گونه سفارش می کند:

۹ (باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت

به دشمنان خدا لبریز کنند) ۹۲

۱- سیری در نهج البلاغه، شهید مطهری، ص ۲۸۵

۲- پیام امام خمینی رحمته الله علیه به مناسبت حج ۱۴۰۷ ه. ق (۱۳۶۶ ش)

با بررسی دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزان به حقوق انسان‌ها را معرفی کنید و سپس راه‌های مؤثر برای مقابله با آنان را که همهٔ ستم‌دیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

آمریکا و اسرائیل و قدرت‌های زورگو
راه مقابله: شناخت ماهیت این قدرتها و قیام علیه آنها

ورود بیگانگان ممنوع!



برخی وقتی به زیبایی دوستی با خدا پی می‌برند، آرزوی راه یافتن محبت او به قلب خود را دارند؛ اما در رسیدن به این خواسته با یک مشکل مواجه می‌شوند و آن اینکه محبت کسانی را به دل راه داده‌اند که خدای مهربان از آن راضی نیست و آن را به صلاح انسان نمی‌داند؛ حال می‌پرسند چگونه می‌توانیم محبت آنها را از دل خارج کنیم؟

برای بیرون راندن این محبت‌ها از دل، توجه به منشأ شکل‌گیری آنها ضروری است. با توجه به روایات، منشأ اصلی گرفتار شدن به این‌گونه محبت‌ها، غفلت از خدا و یاد اوست. یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت دربارهٔ عشق‌های باطل پرسید. ایشان فرمود: **دل‌هایی که از یاد خدا خالی شده‌اند، خداوند محبت غیر خودش را به این دل‌ها می‌چشاند.**^۱

بنابراین، گام اول برای بیرون کردن محبت غیرخدا، رو آوردن به یاد و ذکر خداست. انجام واجباتی مانند نماز و روزه، حضور در مکان‌های مقدسی همچون مسجد و زیارتگاه‌ها، توجه به خواندن قرآن و نیز دعاهایی همچون دعای کمیل، دعای ابو حمزه ثمالی، دعا‌های صحیفه سجادیه، حضور در مجالس و مراسم دینی مانند اعتکاف، مجالس توسل به اهل بیت و مطالعهٔ زندگانی انسان‌هایی که عشق به خدا را در دل پرورانده‌اند (همچون کتاب‌های زندگی شهدا) به تقویت یاد خدا کمک فراوانی می‌کند.

۱- علل الشرایع، شیخ صدوق، ص ۱۴۰

دومین گام، مبارزه با تخیلات باطل است؛ چرا که یکی از اصلی‌ترین راه‌های زیاد شدن عشق‌های باطل، غرق شدن در تخیلات است. پس هر چیزی که یادآور خاطرات این عشق است، باید از خود دور کرد. هدیه، نامه، پیامک، ایمیل، عکس و... نمونه‌هایی از این دسته‌اند که باید آنها را از بین برد.

سومین گام، افزایش روابط محبت‌آمیز با خانواده است. بسیاری از افرادی که گرفتار عشق‌های کاذب می‌شوند، با اعضای خانواده خود چنین ارتباط محبت‌آمیزی ندارند. در دین اسلام توصیه زیادی به محبت کردن به اعضای خانواده شده است. هر چه ارتباط و محبت ما نسبت به پدر و مادر و یا خواهر و برادر زیاد شود، انسان احساس نیاز کمتری به محبت‌های نامشروع پیدا می‌کند. چهارمین گام، قطع ارتباط با طرف مقابل است. البته این قطع ارتباط اگر همراه با توجه به سه گام قبلی نباشد، تأثیری نخواهد داشت.

پس از انجام این مراحل، انسان احساس می‌کند قلبش بیش از گذشته از عشق به خدا لبریز شده و آرامشی الهی سراسر زندگی او را در بر گرفته است.

تظر بر غیر ما ممکن چو قصد روی ما داری	ره از اغیار خالی کن چو عزم کوی ما داری
بوزان خویش را چون او اگر خود بوی ما داری	من آن شمعم که در مجلس مرا پروانه بیارند
حرامت باد اگر رغبت به غیر سوی ما داری	ز معشوقان هر جایی تو را چون کار بکشاید
که در میدان جانبازان سرت را کوی ما داری	مسلم آن زمان باشد تو را لاف سرافرازی
اگرچه ظاهر خود را به جت و جوی ما داری	درون باطن خود را به نور ما منور کن

۱- خیر، زیرا طبق سخن امام صادق (ع) کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند، او را دوست ندارد

۲- ابتدا باید دوستی خداوند را در دل و جان خود پرورش دهیم و سپس از دشمنان خداوند اعلام برائت و بیزاری کنیم

۳- با سنجش میزان دینداری خود، کسی می تواند بگوید با خدا دوست است که واقعا دوستان خدا را هم دوست داشته باشد، از دستورات او پیروی کند و گناه انجام ندهد و بالاخره با کسانی که دشمن خداوند هستند، دشمنی عملی و

قلبی داشته باشد.

اندیشه و تحقیق

۱- برخی افراد، مخالف دستورات خداوند مانند نماز نیستند اما با بهانه‌های مختلف، از انجام

آن شانه خالی می‌کنند، آیا این افراد می‌توانند ادعا کنند که ما خدا را دوست داریم؟ **جواب بالای صفحه**

۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی تفاوت بودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟ **جواب بالای صفحه**

۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟ **جواب بالای صفحه**

۴- فردی می‌گوید: «اساس دین بر محبت است؛ بنابراین دل مسلمانان نباید جایگاه کینه و نفرت

از کسی باشد»؛ شما با او موافقید یا خیر؟ چرا؟ **خیر، دل مسلمانان فقط نسبت به دوستان خداوند از کینه و**

نفرت خالی است، اما نسبت به مستکبران و ستمگران عالم که حقوق سایر ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند باید

با نفرت مقابله و مبارزه کرد

پیشنهاد

۱- در زندگی پیامبران و امامان علیهم‌السلام و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از

اشتیاق آنها به حق و مبارزه‌شان با زشتی و باطل را نشان دهید.

۲- امام خمینی قدس سره که از پیروان راستین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، زندگی خود را در

مبارزه با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟